



# پویا مصاحبه

● جیمز ای. هولشتاین و جیبر اف. گابریل  
مترجمان: راحله کلانتری و معصومه مهرابی

تفاوت این دو در این است که همه مصاحبه‌ها تعاملی هستند و این در حالی است که گفت‌وگو ممکن است از گفت‌وگوی بسیار رسمی و معیارگونه گرفته تا گفت‌وگوهای غیررسمی و مبادلات آزادانه اطلاعات را شامل شود. شیوه‌روایی که تولید می‌شود ممکن است مثل پاسخ‌های محدود چندگزینه‌ای باشد تا بسیار تشریحی، مانند زندگی‌نامه‌های شفاهی. اما همه اینها در جای خود نیکو هستند، آن هم به عنوان محصول و حاصل گفت‌وگو بین اعضای شرکت‌کننده در مصاحبه.

با وجود آنکه بیشتر محققان بر ویژگی تعاملی مصاحبه صحه می‌گذارند، در نوشته‌های فنی درباره مصاحبه بر این نکته تأکید می‌شود که تعامل را باید مرتباً بازبینی کرد. دغدغه ارائه رهنمودهای لازم درباره مصاحبه اساساً این موضوع است که میزان اطلاعات معتبر و درخور اعتماد را به بیشترین حد و در عین حال اطلاعات نادرست مصاحبه شونده را به کمترین حد برسانند (گودمن، ۱۹۸۷). بنابراین مصاحبه می‌تواند به صورت بالقوه سرچشمه تعصب،

در جامعه مصاحبه‌ای مورد نظر (سیلورمن، ۱۹۹۳) - یعنی رسانه‌های گروهی - این گونه است که خدمت رسانان به مردم و محققان، اطلاعات را از راه مصاحبه می‌سازند. برنامه‌های خبری تلویزیون، نشست‌های روزانه و مقاله‌های روزنامه که ما را از نتایج این مصاحبه‌ها آگاه می‌کنند، بی‌شمارند. اگر به دیگر اشکال اصول گردآوری اطلاعات نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم که ۹۰٪ مطالعات علوم اجتماعی، هر کدام به نحوی از مصاحبه استفاده می‌کنند (بریگز، ۱۹۸۹). بی‌شک مصاحبه شیوه‌ای است که بیشتر از هر شیوه دیگری در هدایت تحقیق اجتماعی نظام‌مند به کار می‌آید؛ چرا که جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، مردم‌شناسان، روان‌کاوها، روان‌شناسان بالینی، سیاست‌مداران و همه‌وهمه مصاحبه را همچون «دریچه‌ای بر جهان» می‌بینند (هایمن، ۱۹۷۵).

مصاحبه از طریق پرسش از مردم درباره زندگی آنها با هدف تولید داده‌های تجربی، شیوه‌ای به دست می‌دهد. از این لحاظ، مصاحبه به شیوه خاصی از «گفت‌وگو» و «مکالمه» اطلاق می‌شود.

اشتباه، سوء تفاهم و کج روی یا مجموعه‌ای از مشکلات باشد که باید کنترل شود. راه تصحیح این اشتباه آسان است؛ اگر مصاحبه‌کننده به طرزی صحیح سؤال کند، مصاحبه‌شونده هم اطلاعات مطلوب را خواهد داد.

از نظر مکالمه‌ای، گفت‌وگویی که در جریان مصاحبه صورت می‌گیرد مجرای برای انتقال اطلاعات است. همین حساسیتی که به تازگی درباره مسائل نشانه‌ای مبذول می‌شود (هولشتاین و گابریم، ۱۹۹۷) - که ویژگی عمده تحقیقات پسا ساختارگرایی، پسامدرنیسم و اصلاح‌گرایان و قوم‌نگاران ارتباط است - منجر به ایجاد چندین سؤال در این زمینه شده است که آیا اصلاً می‌توان به شیوه‌ای اعتماد کرد که رویکرد مکالمه‌ای در نظر دارد. این دیدگاه‌های جایگزین همگی مبنی این نکته هستند که معنی به شیوه‌ای اجتماعی ساخته می‌شود و تمام دانش ما از اعمالی که برای به دست آوردن آن دانش انجام می‌دهیم، به دست می‌آید (کارفیکل، ۱۹۶۷).

در نظر گرفتن مصاحبه به مثابه دیداری اجتماعی که در آن دیدار دانشی به دست می‌آید این احتمال را هم پیش رو می‌گذارد که مصاحبه صرفاً منبع اطلاعات نادرست نیست، بلکه در عوض موقعیتی برای تولید دانش و انتقال آن است.

چارلز بریگز، جامعه‌شناس زبان (۱۹۸۶) مدعی است که شرایط اجتماعی حاکم بر مصاحبه سد بزرگی در راه فاش کردن حقایق مصاحبه‌شونده است. وی خاطر نشان می‌کند که مصاحبه هم مثل دیگر انواع رفتارهای کلامی اساساً و فرعاً به صورت و مفهوم آنچه گفته شده است شکل می‌دهد. هر دو طرف مصاحبه ضرورتاً پویا و فعالند. معنی صرفاً از طریق پرسش مناسب استخراج نمی‌شود، معنی خلاقانه و به شیوه‌ای تعاملی در جلسه مصاحبه گردآوری و تولید می‌شود. نباید تصور کرد که مصاحبه‌شونده‌ها منابع دانش و اطلاعاتی هستند که منتظرند آنها را به حرف بیاوریم، بلکه آنها خود، سازنده‌های دانش هستند. شرکت در مصاحبه یعنی معنی‌سازی (هولشتاین و گابریم، ۱۹۹۵).

اگر مصاحبه فرایندی پویا و موقعیتی برای معنی‌سازی است، داده‌های مصاحبه هم به طرز اجتناب‌ناپذیری مشارکتی هستند. بنابراین تلاش‌های فنی برای جدا کردن عناصر و اجزای مصاحبه کار بیهوده‌ای است. به جای اصلاح فهرست‌های بلندبالایی که مربوط به محدودیت‌های مصاحبه است، پیشنهاد ما این است که محققان از دیدگاهی پویا آغاز و تصریح کنند که مشارکت سازنده دو طرف مصاحبه برای تولید داده‌های مصاحبه لازم است، یعنی سهم داشتن از فرایند مصاحبه و حاصل آن کار.

### تصورات سنتی درباره مصاحبه

به‌طور طبیعی آنها که می‌خواهند درباره تفکرات، احساسات یا اعمال افراد دیگر اطلاعاتی بیابند، معتقدند که فقط باید پرسش‌های درست پرسند و پس از آن «واقعیت‌های» دیگران را خواهند فهمید. عموماً مصاحبه «اکتشاف» آن دسته از حقایق یا

احساساتی است که در مخاطب واقع است. البته فن بسیار دقیقی وجود دارد که محققان را با چگونه پرسیدن سؤالات آشنا می‌کند و به آنها می‌گوید که چه سؤالاتی را نپرسند.

پویا دانستن مصاحبه یعنی استفاده از روش‌هایی که در آنها دانش به شیوه‌های جدید گردآوری می‌شود و نه به روش‌های موجود در دیدگاه‌های سنتی‌تر. به عبارت دیگر درک این نکته که چگونه فرایند معنی‌سازی در مصاحبه کشف و آشکار می‌شود به اندازه «آنچه» سؤال می‌شود اهمیت دارد. منظور از «چه»‌ها مضمون سؤال‌ها یا دانشی است که مصاحبه‌شونده به دیگری منتقل می‌کند. علاقه دوگانه به «چه» و «چگونه»‌ها در فرایند خلق معنی به تحسین پویایی در مصاحبه می‌انجامد.

### شخصیت پنهان مصاحبه‌شونده

صرف‌نظر از نوع مصاحبه، همواره در پس پرسش و پاسخ مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده، شخصیت خاص مورد پژوهش نهفته است. (هولشتاین و گابریم، ۱۹۹۵). طرح شخصیت نهفته مصاحبه‌شونده به نوعی دیدگاهی، شناخت‌شناسانه در اختیارمان قرار می‌دهد که صحت و سقم نسبی اطلاعات گزارش شده بر فهم ما تأثیرگذار است. در رویکردهای سنتی، شخصیت‌های مصاحبه اساساً مخازن منفعل پاسخ‌هایی تصور می‌شوند که مصاحبه‌شونده، عملاً در مقابل سؤال‌های مصاحبه‌کننده بیان می‌کند و منابع حقایق و جزئیات مربوط به تجربه‌ای خاص می‌شود. طبق نظر محققان، گاهی به ویژه در مصاحبه‌هایی با موضوعات حساس و یا با حضور مصاحبه‌شونده‌هایی گریزان از پاسخگویی، دستیابی به پاسخ تجربی دقیق، به سهولت امکان‌پذیر نیست. با این حال اطلاعات حاصل از مصاحبه اصولاً به صورت محض و منفک از ناخالصی‌های پاسخ شخصی، بررسی می‌شود. ترفند عمل چنین است که سؤال‌ها در فضایی طرح شوند که منجر به ایجاد ارتباطی خدشه‌ناپذیر میان مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده شود. قسمت اعظم متون روش شناختی در فن مصاحبه در مورد تفاوت‌های ظریف چنین موضوعات پیچیده‌ای است. بررسی پاسخ‌های دریافتی، مصاحبه‌کننده‌ها را بر آن می‌دارد تا در طرح سؤال جوانب احتیاط را رعایت کنند و روشی بی‌طرف در مصاحبه برگزینند. در این متون هزاران روش جهت کسب حقایق و جزئیات محض، ارائه شده که عمدتاً منوط به مصاحبه‌گر و بی‌طرفی پرسش‌هاست. مثلاً چنین تصور می‌شود مصاحبه‌کننده‌ای که جوانب متفاوت موضوع را بیان می‌کند بی‌طرف‌تر از مصاحبه‌گری است که محدود عمل می‌کند. نتیجه تحقق مصاحبه‌ای بی‌طرف، دستیابی به حقایق نهفته در خزانه پاسخ‌های مصاحبه‌شونده است. به‌کارگیری موفق چنین روشی، اعتبار اطلاعات حاصل را در پی دارد.

در رویکرد خزانه پاسخ‌ها، شخصیت مورد مصاحبه از لحاظ روش‌شناسانه، منفعل تصور می‌شود و در تولید دانش نقشی ندارد. چنانچه روند مصاحبه طبق اصول پیش رود و بی‌طرف و بی‌غرض

انجام گیرد، مصاحبه‌شونده به درستی آنچه را که شخصیت مورد مصاحبه دربردارد پاسخ می‌گوید و آن، چیزی جز حقایق و جزئیات محض تجربی نیست. ناخالصی مطالب منبعث از زمان و مکان مصاحبه است، نه شخصیت مصاحبه‌شونده که او در صورت لزوم و در شرایطی مطلوب، گزارشی صادقانه ارائه می‌کند.

چنانچه به این تصویر از شخصیت نهفته مصاحبه‌شونده حیات بخشیم چه رخ می‌دهد؟ عملاً مصاحبه‌شونده در طی روند آفرینشی ذهنی به ندرت قادر به تحریف چستی واقعی خود است. او چنین شخصیت پویایی را در پیش و پس از ایفای نقش و طی آن در مقام مصاحبه‌شونده گردآوری و بازگو می‌کند و به عنوان عضوی از جامعه، دانشی را که به مصاحبه‌کننده منتقل می‌شود تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن را دگرگون می‌کند و معنی‌سازی، پیوسته فعال است. در نتیجه، پاسخ‌های فرد پاسخ‌دهنده پیاپی گردآوری و تشریح می‌شود و تنها با مطابقت پاسخ‌ها با اطلاعات موجود در خزانه دانش عینی نمی‌توان در مورد صحت مطالب مطرح‌شده به قضاوت نشست.

در رویکردی سنتی‌تر، عینیت و یا درستی پاسخ‌های مصاحبه در اعتبار مطالب خلاصه می‌شود. یعنی محدوده‌ای که پرسش‌های طرح‌شده در هر زمان و مکانی متضمن پاسخ‌هایی یکسان است و در چنین گستره‌ای است که مصاحبه منجر به حصول پاسخ‌هایی صحیح می‌شود (کیرک و میلر، ۱۹۸۶). با وجود این، زمانی که فرایند

است. همچنین اعتبار پاسخ‌ها نیز ناشی از مطابقتشان با معانی مدنظر پاسخ‌دهنده نیست، بلکه در امکان انتقال حقایق تجربی است که در شرایط مکانی خاص فهم‌پذیر است.

چنین تصویر پویایی از مصاحبه را زمانی می‌توان به خوبی دریافت که آن را در تقابل با رویکردهای سنتی قرار دهیم. دو رویکردی که برگزیده‌ایم جهت گیری کاملاً متفاوتی به حقایق نهفته در شخصیت منفعل در مصاحبه سنتی دارند: اولین رویکرد مستلزم جهتی منطقی و ارزشی حقیقی است. به عنوان مثال، در مصاحبه‌های مطالعاتی تمرکز بر بیانیه‌های واقعی، توضیحات دلایلی است که پاسخ‌دهنده در بیان تجربه به کار می‌گیرد. ما در این مقاله کتاب ژان کانورس و هاوارد اسکومان را با نام **مکالمه‌های اتفاقی** (۱۹۷۴) به عنوان متن نمونه در نظر می‌گیریم. دومین رویکرد در ظاهر، ارزشی عمیق‌تر و اصیل‌تر برای احساسات شخصی مصاحبه‌شونده قائل است و بر احساسات و عواطف - که نقطه اصلی تجربه انسانی است - تأکید دارد. برای توضیح این رویکرد از کتاب جک داگلاس با نام **مصاحبه خلافاً** (۱۹۸۵) استفاده کرده‌ایم.

### مصاحبه مطالعاتی

همچنان که کانورس و اسکومان به توضیح اصولی‌ترین روش‌های

**اگر مصاحبه فرایندی پویاست و موقعیتی برای معنی‌سازی، داده‌های مصاحبه هم به طرز اجتناب‌ناپذیری مشارکتی هستند. بنابراین تلاش‌های فنی برای جدا کردن عناصر و اجزای مصاحبه کار بی‌بهره‌ای است. به جای اصلاح فهرست‌های بلندبالایی که مربوط به محدودیت‌های مصاحبه است پیشنهاد ما این است که محققان از دیدگاهی پویا آغاز و تصریح کنند که مشارکت سازنده دو طرف مصاحبه برای تولید داده‌های مصاحبه لازم است، یعنی سهم داشتن از فرایند مصاحبه و حاصل آن کار**

مصاحبه می‌پردازند، کتاب ایشان مصاحبه مطالعاتی را از دید مصاحبه‌کننده‌ها مورد توجه قرار می‌دهد و به این امر می‌پردازد که مصاحبه با فرد پاسخ‌دهنده تا چه حد می‌تواند جذاب و نسبتاً سخت و یا آزردهنده باشد. همچنین به توصیف شخصیت‌ها و مفاهیمی جذاب و پیچیده می‌پردازد و آنها را «جذابیت شخصیت‌ها» می‌نامد. اما نویسنده‌ها به خواننده هشدار می‌دهند که فرد پاسخ‌دهنده می‌تواند کاملاً به صورت تلویحی پویا عمل کند و این امر با جست‌وجوی اطلاعات عینی در تضاد نیست. اطلاعاتی که خواننده درمی‌یابد، برگرفته از منابع دانشی است که منفعلانه در پس هر پاسخ پاسخ‌دهنده مخفی است. نویسنده‌های کتاب به این

مصاحبه، پویا و در عین حال مناسبی معنی‌ساز تلقی شود، مقیاسی متفاوت به کار می‌رود. در این صورت تمرکز بر چگونگی ساخت معنی و شرایط این ساختار و روابط معنی‌دار مختص این مناسبت‌هاست. جذابیت موضوع همچنان در پاسخ‌های مصاحبه‌شونده وجود دارد. اساساً چنین جذابیتی در چگونگی و چستی پاسخ‌هایی است که مصاحبه‌شونده پویا در همکاری متقابل با مصاحبه‌گر پویا مطرح می‌کند و تحت شرایط موجود و تأویل‌پذیر مصاحبه، تجربه‌ای پویا برای شخص مصاحبه‌شونده شکل می‌گیرد. نمی‌توان پاسخی یکسان برای شرایطی متفاوت انتظار داشت، چرا که پاسخ‌ها در شرایطی ناهمگون به وجود آمده

## مصاحبه خلاقانه

چنین مصاحبه‌ای متفاوت از رویکردی است که در کتاب **مصاحبه پویا** نوشته داگلاس آورده شده است. اما برخی شباهت‌های چشم‌گیر موجود است که برگرفته از تصورات سنتی است. اصطلاح «پویا» در کتاب داگلاس اساساً به مصاحبه‌کننده اشاره دارد نه به مصاحبه‌شونده. داگلاس می‌گوید که در بسیاری از مطالعات خود بارها به سطحی بودن توصیه‌های اصولی جهت مصاحبه‌های تحقیقی پی برده است. کانون‌های بی‌طرف و منطقی همانند آنچه که کانورس و اسکومان مطرح می‌کنند قادر به دستیابی به حقیقتی که داگلاس «سرچشمه عاطفی» پاسخ‌دهنده‌ها می‌خواند نبود و مستلزم علم روش‌شناسانه‌ای بود تا مطالب عمیقی را آشکار سازد.

مشکلات داگلاس مربوط به تصور وی از شخصیت منفعل و همچنین نقصان روش‌های اصولی مصاحبه بود. درست مانند تصویر شخصیت پنهان در پاسخ‌دهنده مصاحبه مطالعاتی، داگلاس نیز شخصیت‌های مصاحبه‌خود را مخازن پاسخ تلقی می‌کند اما این بار آنها مخازن محفوظ مملو از احساسات هستند. مصاحبه‌شونده به امر مصاحبه‌کننده سخنانی صادقانه به زبان می‌آورد که برخاسته از چشمه‌های احساسی اوست؛ چرا که مصاحبه‌کننده می‌داند که تنها واژه‌ها، بیانگر و یا متبادل‌کننده

امر که رفتار مصاحبه‌شونده متضمن شخصیت وی در فرایند معنی‌سازی است، اعتقادی ندارند. هر اندازه هم که مصاحبه‌شونده سرزنده، پویا، گیرا و یا متمرکز در پاسخگویی باشد، شخصیت منفعل مصاحبه‌گر پاسخ‌های مورد نظر تحقیق را دربردارد.

کتاب کانورس و اسکومان مملو از داستان‌هایی است که به مصاحبه‌کننده‌ها نکات ضروری را یادآوری می‌کند تا همواره خزانه پاسخ شخصیت مصاحبه‌را در نظر داشته‌باشند و مصاحبه‌را هدف قرار دهند. تا حدودی مصاحبه به مفهوم تسلط فرد بر خود به عنوان مصاحبه‌گر است تا هیچ دخالتی در مواردی که شخص مصاحبه‌شونده با کمال رضایت آشکار می‌نماید، نداشته‌باشد. مصاحبه‌گر باید ضمیر خودآگاه خود را فراموش و عقاید شخصی خویش را سرکوب کند و در عین حال از تعیین قالبی پیش‌ساخته برای فرد پاسخ‌دهنده پرهیزد.

آموختن نقش مصاحبه‌گر همچنین مستلزم تسلط بر شرایط مصاحبه است تا بیان آزادانه عقاید و احساسات امکان‌پذیر شود. شرایط مطلوب این است که مصاحبه به صورت خصوصی برگزار شود. این امر یعنی اطمینان از اینکه سخنان مصاحبه‌شونده مستقیماً از ذخایر پاسخ‌های او برخاسته است نه از پاسخ به رضایت‌مندی دیگران.

فشار ناشی از هدایت مصاحبه‌ای که «اطلاعات مهم و خوبی» در اختیارمان قرار می‌دهند از طریق گفت‌وگویی ملاطفت‌آمیز



## بی‌شک مصاحبه شیوه‌ای است که بیشتر از هر شیوه دیگری در هدایت تحقیق اجتماعی نظام‌مند به کار می‌آید

تجربیات نیستند. اصول پرسش و پاسخ مطالعاتی تنها به ظاهر قضیه توجه دارد. داگلاس می‌خواهد از طریق شناخت خلاقانه شخصیت اصلی نهفته در پس مصاحبه‌شونده یا فرد پاسخ‌دهنده به دید عمیق‌تری دست یابد. مصاحبه خلاقانه روشی است که در آن تبادل صرف کلمات و جملات کنار گذاشته شده است. برای رسیدن به چنین هدفی مصاحبه‌گر باید جوّی مناسب جهت برقراری ارتباطی دوسویه به‌وجود آورد. مصاحبه باید مناسبی باشد که در آن مصاحبه‌کننده خواستار تشریح احساسات و عمیق‌ترین افکارش است. چنین امری مصاحبه‌شونده اطمینان می‌بخشد که ایشان می‌توانند با یکدیگر تشریح و تبادل احساس و نظر داشته باشند.

مدیریت می‌شود. در مجموع، کانورس و اسکومان مشکلات مصاحبه‌را که ناشی از شخصیت منفعل است، مدنظر قرار داده‌اند. توضیحات این کتاب، مکرراً آشکارکننده این حقیقتند که مصاحبه‌ها مکالماتی هستند که نه تنها از طریق آنها معانی منتقل می‌شوند بلکه به صورت مشارکتی معانی ساخته و دریافت می‌شوند و مصاحبه‌کننده آنها را تفسیر و گزارش می‌کند. مصاحبه‌کننده زبده ضمن کار می‌آموزد که چگونه فشارهای ناشی از مکالمات را در جهت نیل به مقصود مصاحبه کاهش دهد. تنها راه تحقق این امر، جهت‌گیری به سوی نشستی پویا و معنی‌ساز است.

احساسات و علاقه به مطلب است. او با اشاره به مصاحبه‌کننده خلاق که مصاحبه‌های خارق‌العاده‌ای در مطالعه زندگی‌ها انجام داده‌است می‌نویسد: مصاحبه‌گر خلاق، احساساتی، دوستانه، علاقه‌مندانه و علاوه بر آن همواره چشمانی متحیر در برابر اسرار بازگشوده دارد. (همان: ۲۹)

چشمه‌هایی که مورد استفاده مصاحبه‌ای خلاق قرار می‌گیرد سرچشمه‌های عاطفی تلقی می‌شود و در تضاد کامل با تصویر مطلوب و منطقی از حقایق است که در کتاب کانورس و اسکومان آورده شده است. همان‌گونه که داگلاس می‌گوید: «دانش و حکمت به طور نسبی محصول کنش متقابل و جست‌وجویی دو جانبه جهت درک روح مصاحبه است» (همان: ۵۵).

داگلاس شخصیت مورد مصاحبه را اساساً احساساتی می‌پندارد. این شخصیت در نقش پاسخ‌گوینده فعالانه با مصاحبه‌کننده همکاری می‌کند تا همان مفاهیم فهم‌پذیری را خلق کند که در کتاب کانورس و اسکومان آمده است. در این صورت

آشکار کردن حقایق از طریق مصاحبه‌کننده سبب می‌شود که هم مناسبت و هم اجازه لازم برای مصاحبه‌شونده فراهم آید تا او نیز حقایق را بیان کند. داگلاس می‌گوید چنین امکانی در مصاحبه بی‌طرف مطالعاتی، سرکوب و واخورده می‌شود. داگلاس خط‌مشی‌هایی را برای اجرای مصاحبه‌ای خلاق عرضه می‌کند. اولین نکته طبق گفته او این است که خلاقیت مصاحبه خلاق مستلزم ۹۹٪ تلاش بی‌وقفه است (۱۹۸۵: ۲۷). و داشتن پاسخ‌دهنده به آشکارسازی کامل و بی‌پروای مطالب به مراتب مشکل‌تر از کسب نظریات اوست. دومین گام جهت ورود به جست‌وجوی بسیار عمیق در ژرفای روح انسان، خودشناسی محقق است (همان: ۵۱). خودکاوی مستمر مصاحبه‌کننده از ملزومات کار است زیرا مصاحبه‌گر نیز مکانیزم دفاعی مخصوص خود را دارد که ممکن است در طی مصاحبه مانع از برقراری ارتباطی دو طرفه شود و در تحقق مصاحبه‌ای خلاق اختلال ایجاد کند. سومین راهکار همراهی مصاحبه‌کننده با مصاحبه‌شونده در بازنمایی حقایق از طریق ابراز



مصاحبه خلاقانه روشی است که در آن تبادل صرف کلمات و جملات کنار گذاشته شده است. برای رسیدن به چنین هدفی مصاحبه‌گر باید جوی مناسب جهت برقراری ارتباطی دوسویه به‌وجود آورد. مصاحبه باید مناسبتی باشد که در آن مصاحبه‌کننده خواستار تشریح احساسات و عمیق‌ترین افکارش است

## مصاحبه پویا و تفسیر کاربردی

تلقی فرآیند مصاحبه به منزله نمایشی میان‌فردی با پی رنگی پیش‌رونده، بخشی از تصویر گسترده‌تری از واقعیتی است که دستیابی به تفسیری پیش‌رونده است. از این دیدگاه شرکت‌کننده‌ها در مصاحبه نماینده‌های زندگی روزمره اند که دائماً در تلاشند تا ویژگی‌های منظم و قابل توجه تجربیات را درک کنند و به یکدیگر انتقال دهند. ولی معنی‌سازی، تنها امری هنرمندانه نیست (گارفینکل، ۱۹۶۷). معنی تنها از تفکر درباره نشستی تأویل‌پذیر، ساخته نمی‌شود بلکه تفسیر برخاسته از منابع معتنا به و تبادل متقابل نظرها و همچنین مقید به آنهاست.

معنی از پیوند چیستی‌ها و چگونگی‌هایی مصاحبه شکل می‌گیرد آن هم از طریق تفسیر کاربردی روندها و منابعی که در فهم، تنظیم و عرضه واقعیت به کار می‌روند. (هلشتاین و گابریم، ۱۹۹۴). مصاحبه پویا صورتی از تفسیر کاربردی است که مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده در آن شرکت دارند، چرا که هر دوی ایشان ساختارها، منابع و جهت‌گیری‌های تفسیری را همراه با آنچه که (گارفینکل، ۱۹۶۷) «استدلال کاربردی» می‌نامد.

**شخصیت پویا:** تصویر مصاحبه پویا تعریف شخصیت پنهان مصاحبه‌شونده را نیز تغییر می‌دهد. در این صورت شخصیت مصاحبه‌شونده دیگر منبع منفعل عقاید و استدلال و یا چشمه احساسات نیست، بلکه منبع مزایای دانش تلقی می‌شود. درست از زمان تعیین موضوع تحقیق و افراد مصاحبه‌شونده، طرح پرسش و پاسخ و سرانجام تغییر و تعبیر پاسخ‌ها، مصاحبه صرفاً طرحی است جهت تولید معنی و مفهوم. شخصیت فرضی نهفته در فرد پاسخ‌دهنده نیز در ضمن این طرح رخ می‌نمایاند و نه پیش از آن. در طی مصاحبه شخصیت مورد نظر به صورت احساسی و

آشکاری دوسویه مطالب یعنی همان اعتماد خلاق در مصاحبه خلاق، رساننده و شکل‌دهنده مطالبی است که در طی مصاحبه بیان می‌شود. نکته‌ای که از نظر داگلاس دورمانده این است که چنین شخصیت مطلوب و پویایی می‌تواند به گونه‌ای متفاوت سرچشمه‌های منطقی و غیرعاطفی برای مصاحبه بیافریند. بنابراین شخصیت نهفته‌ای که داگلاس تعریف می‌کند، کاملاً منفعل است اگر چه کاملاً احساساتی است و نقطه عطف مصاحبه به‌شمار می‌رود.

## مصاحبه پویا

اتیل دوسولا پو (۱۹۵۷)، منتقد برجسته همه‌پرسی عمومی، می‌گوید که پیشامدهای پویا و ارتباط‌مدارانه در مصاحبه، نظریات مصاحبه‌شونده را نیز پویا می‌کند. وی اظهار می‌دارد هر مصاحبه، نمایشی میان شخصی است که پی رنگی پیش‌رونده دارد (۱۹۳:۱۹۵۷). چنین استعاره‌ای مفهومی پویاتر نسبت به تعریف سنتی مصاحبه، که همان سازماندهی، کشف و انتقال اطلاعات است، به دست می‌دهد. همان گونه که پو می‌نویسد: «طیف اجتماعی که مصاحبه در آن رخ می‌دهد نه تنها تعیین‌کننده مطالبی است که فرد جرئت ابراز آن را می‌یابد، بلکه حتی آنچه را که او می‌اندیشد و برای گفتن انتخاب می‌کند نیز معین می‌سازد. چنین گوناگونی در میان مطالب را نمی‌توان جوانب انحرافی نظریه‌ای واقعی دانست زیرا هیچ شرایط ایده‌آل، غیراجتماعی و بی‌طرفی وجود ندارد که بتوان تحت آن به چنین اصلی (نظریه‌ای دقیق) دست یافت» (۱۹۲:۱۹۷۵).



**پویا دانستن مصاحبه یعنی استفاده از روش‌هایی که در آنها دانش به شیوه‌های جدید گردآوری می‌شود و نه به روش‌های موجود در دیدگاه‌های سنتی‌تر. به عبارت دیگر درک این نکته که چگونه فرایند معنی‌سازی در مصاحبه کشف و آشکار می‌شود به اندازه «آنچه» سؤال می‌شود اهمیت دارد**

منطقی از طریق پیوند و یا ارتباط با تعامل روند مصاحبه و اهداف عالی‌تر مصاحبه‌کننده خود را آشکار می‌کند، مصاحبه و شرکت‌کننده‌های آن همواره در حال بسط و توسعه اند.

دو نوع تفاهم در ارتباط، در تشکیل شخصیت نهفته پویا در فرد پاسخ‌دهنده مؤثر است. اولین نوع شامل چستی واقعی مصاحبه است. تمرکز و پیدایش اطلاعات در طرح تحقیق، منابع تفسیری جهت توسعه شخصیت مصاحبه و پاسخ‌های وی است. برای مثال ممکن است طرحی درباره کیفیت مراقبت و زندگی افراد در خانه سالمندان باشد (گابریم، ۱۹۹۳). این طرح می‌تواند بخشی از تحقیق در مورد سازماندهی مراقبت‌های خانگی و نهادی باشد.

در صورت استفاده از مصاحبه، شرکت‌کننده‌ها در آن ضرورت و اهمیت این موضوعات را بیان می‌کنند و در طی مصاحبه آن را به ویژگی‌های زندگی خود مربوط می‌سازند و در نتیجه شخصیتی می‌آفرینند که به پرسش‌ها پاسخ می‌گوید و یا تحت تأثیر شرایط موجود قرار می‌گیرد. مثلاً یکی از ساکنان آسایشگاه در مصاحبه‌ای حضوری در مورد کیفیت مراقبت و امکانات رفاهی زندگی در این مؤسسه می‌گوید: «در این مورد برای خانم‌ها باید به مسائل عاطفی آنها پرداخت». و این در واقع بازتاب همان شخصیت عاطفی است که داگلاس از آن سخن می‌گوید و چنین مثالی بیانگر رابطه‌ای مشهود میان جنسیت و تأثیر است. ممکن است یکی دیگر از ساکنان با خونسردی و بدون هیچ ابراز احساساتی کلیه امکانات رفاهی و مراقبتی را فهرست کند. ضمن اینکه این مصاحبه‌شونده نقش خود را ایفا می‌کند چنین بگوید که برخورد احساساتی با چنین موضوعاتی مانع قضاوتی منطقی می‌شود و در این موارد تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که منطبق بر الگوی منطبق‌گرای کانورس و اسکومان است. منابع دقیق و به‌خصوصی مانند ارتباط فرهنگی معمول میان جنس مؤنث و احساسات یا تضاد فرهنگی و سنتی میان تعقل محض و احساسات نیز در تشکیل شخصیت مورد مصاحبه نقش دارد.

نقطه عطف مصاحبه که منبع اطلاعات به شمار می‌رود، در طی پیشرفت مصاحبه همواره در تعاملی متقابل گسترش می‌یابد. ضمن مصاحبه در مورد امکانات رفاهی و مراقبتی در آسایشگاه مصاحبه‌شونده‌ها هم‌زمان با ابراز عقاید و افکار مربوط به موضوع همچنان فردی را که به عنوان مصاحبه‌کننده در مقابل خود می‌بیند، زیر نظر دارند. برای مثال زمانی که مصاحبه‌شونده می‌گوید «خانم»، به گزارشگر هشدار می‌دهند که باید سخنان او را سخنان خاص یک زن در نظر بگیرد و به آن گوش بسپرد و نه فقط به عنوان یکی از ساکنان آسایشگاه و یا زنی که مبتلا به سرطان است و یا مادری که فرزندانش او را رها کرده اند. چنانچه در ادامه مصاحبه همین فرد بگوید «اگر من مرد بودم»، در این صورت افکار و احساسات خود را در قالبی متفاوت بیان کرده و شخصیت متفاوتی به وجود آورده است. مصاحبه‌شونده دقیقاً در تعامل با چگونگی گشایش مصاحبه عمل می‌کند.

## انگیزش روایت، جابه‌جایی جایگاه‌ها، فعال‌سازی منابع

البته مصاحبه تنها روش تفسیر کاربردی نیست. مصاحبه تنها راهی نیست که می‌توان در آن عقاید، احساسات و اشخاص را تفسیر و تعبیر کرد. در این صورت چرا مصاحبه یکی از پرکاربردترین روش‌ها در تحقیقات اجتماعی نظام‌مند محسوب می‌شود؟ اولین پاسخ به این سؤال نهفته در انگیزشی است که موقعیت خاص مصاحبه برای ایجاد معنی مرتبط با موضوع مصاحبه، خلق می‌کند. در روش‌های سنتی مصاحبه، شخصیت منفعل مصاحبه‌شونده چنانچه در شرایط ایده‌آل پاسخ‌گویی قرار داشته‌باشد از کمترین موقعیت تفسیری برای دریافت، ذخیره و بازگویی اطلاعات برخوردار است. پویا پنداشتن مصاحبه متضمن شخصیتی است که روش‌های تفسیری فراوان و ذخیره اطلاعاتی بالایی را در اختیار دارد. با پویا در نظر گرفتن فرایند مصاحبه، شخصیت پاسخ‌گوینده به عنوان مخزن منفعل اطلاعات و احساسات که مورد استفاده مصاحبه‌شونده قرار می‌گیرد تصور نمی‌شود. بلکه در این دیدگاه

**مصاحبه پویا صورتی از تفسیر کاربردی است که مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده در آن شرکت دارند چرا که هر دوی ایشان ساختارها، منابع و جهت‌گیری‌های تفسیری را همراه با آنچه که گارفینکل «استدلال کاربردی» می‌نامد، استفاده می‌کنند**

توانایی‌های تفسیری فرد پاسخ‌دهنده قابل تحریک، فعال‌سازی و پرورش محسوب می‌شود و مصاحبه نشستی است که چنین امری را ممکن می‌سازد.

این بدان معنی نیست که مصاحبه‌کننده‌های پویا مصاحبه‌شونده‌ها را تنها به سوی پاسخ‌های مورد نظر خود سوق می‌دهند، بلکه مصاحبه‌کننده‌ها به شیوه‌ای با افراد سخن می‌گویند که موضوعات مطرح شده را نیز تغییر می‌دهند. آنها می‌توانند موضوع بحث را به جوانب متفاوتی که مصاحبه‌شونده درباره آن سخن می‌گوید بکشانند و حتی فرد را بر آن دارند که از منابع به‌خصوص، روابط و چشم‌اندازهای متفاوتی استفاده کنند. مصاحبه‌کننده ممکن است به جست‌وجوی دیدگاه‌های ناگفته‌ای

در مورد اتفاقی خاص بپردازد و در این راه پاسخ‌دهنده را ترغیب نماید تا موضوع مورد نظر را با بیان اتفاقات روزمره زندگی اش بسط و گسترش دهد (دووال، ۱۹۹۰). هدف دیکته کردن تفسیری خاص نیست، بلکه ایجاد محیطی است که محدود و ملغمه‌ای از مفاهیم مربوط به موضوع را خلق می‌کند و این معانی محدود به قالب‌هایی از پیش تعیین شده نیست.

استعاره‌ای که پو به کار می‌برد، مصاحبه و نمایش، مناسب چنین دیدگاهی است چرا که چنین برداشتی هم هنرمندانه بودن و هم فراهم آوردن شرایط را در بر دارد. نمایش شامل قسمت روایی و مکتوبی است که درباره موضوع یا موضوع‌هایی خاص است و در آن نقش‌های مشخص و قالب گفتاری معینی وجود دارد. البته در کنار تمام این عناصر، نمایش پی رنگی در حال گسترش است که طی آن موضوعات، نقش‌ها و قالب‌ها در تعاملی مصاحبه‌گونه شکل می‌گیرند. چنین مصاحبه پویایی را می‌توان نمونه محدودتری از اجرایی فی‌البداهه و محصول آن را نیز فی‌البداهه دانست اما قانونمند، متمرکز و توأم با مشخصه‌هایی که مصاحبه‌گر را شرکت‌کننده‌ای فعال مطرح می‌کند.

با آنکه فرد پاسخگو فعالانه جواب‌ها را آماده و گردآوری می‌نماید هیچ‌گاه به سادگی شروع به سخن‌گفتن نمی‌کند. اگر انگیزشی از جانب مصاحبه‌کننده وجود نداشته باشد هیچ پاسخ مشروح و یا حتی یک کلمه‌ای از سوی مصاحبه‌شونده دریافت نمی‌شود. نقش مصاحبه‌کننده پویا این است که پاسخ‌دهنده را وادار به پاسخ‌گویی نماید و سرانجام مصاحبه پاسخی روایی داشته باشد. در این نوع مصاحبه، مصاحبه‌کننده‌ها عمداً از طریق اشاره و حتی القای مواضع، منابع، جهات خاص و روال داستان به مصاحبه‌شونده، موجب برانگیختن پاسخ‌های مورد نظر می‌شوند. در حالی که در رویکردهای استاندارد سعی بر آن است تا پرسش‌ها کاملاً بی‌طرف و غیرشخصی مطرح شوند (مراجعه کنید به هلستاین و گابریل، ۱۹۹۵، بخشی که در آن در مورد شکست حتمی چنین رویکردی بحث می‌شود). در دیدی وسیع‌تر ضمن مصاحبه پویا، مصاحبه‌گر بر آن است تا منبع اطلاعاتی پاسخ‌گوینده را فعال سازد و این پاسخ‌ها را آن‌گونه که مناسب موضوع تحقیق است وارد بحث کند.

برای مثال به چگونگی فعال‌سازی دانش نظریات نقش‌ها و جهت‌گیری‌های فرد پاسخ‌گو در این مصاحبه توجه کنید.

او دختری است که از مادر پیر و فرتوتش در خانه نگهداری می‌نماید. او شغلی نیمه‌وقت دارد و کارهای خانه را با همسرش که به صورت تمام وقت شاغل است و با دو پسرش که یکی دانشجوی نیمه‌وقت و دیگری عضو نیروی امنیتی است تقسیم نموده است. نمونه مصاحبه با پرسش مصاحبه‌کننده شروع می‌شود که از این خانم می‌خواهد تا احساسات خود را در مورد مسائل و مقابله با مشکلات و برنامه‌ریزی‌های حجیمی که در زندگی‌اش موجود است شرح دهد. این امر مرتبط با چیزی است

که به «نسل ساندویچ» معروف است، یعنی مراقبت از فرزندان و والدین پیر. توجه کنید که این فرد چگونه در پاسخ به این سؤال که مفهوم این اصطلاح چیست احساسات درهم‌آمیخته و متفاوتی را بازگو می‌کند. او علناً احساسات متفاوت خود را در مورد این مسئله بیان می‌کند، گویی برای پاسخ به این پرسش‌ها بیش از یک راوی و یک منبع پاسخ‌گو آن هم با پاسخ‌هایی متناقض در بحث شرکت کرده است. فرد پاسخ‌دهنده بر مطالب کاملاً مسلط است. او نه تنها چستی‌های مراقبت و زندگی خانوادگی را شرح می‌دهد بلکه در طی مصاحبه، مصاحبه‌کننده را از چگونگی ساختن پاسخ‌هایش نیز آگاه می‌کند.

□ داشتیم راجع به شما صحبت می‌کردیم گفتید عضو چی هستید؟

○ اونا می‌گن من از نسل ساندویچ هستم. می‌دونید انگار یه جوری بین مراقبت از مادرم و مواظبت از فرزندان بالغ و همسر ساندویچ شدم. امروزه آدم‌ها طول عمر بیشتری دارند و نسل‌های متفاوت رو می‌شه در خانه دید و من به شما می‌گم که یه جور موهبت پیچیده است.

□ چه احساسی راجع به شرایط فعلی خودتون دارید؟  
○ وای نمی‌دونم! گاهی فکر می‌کنم خودخواهم، چون از اینکه دائم باید مراقب مادر باشم غر می‌زنم. اگر لحظه‌ای از او چشم بردارم به حیات خلوت یا به بیرون از خانه می‌ره و این اصلاً زمانی که خودم هم نیاز به سرگرمی دارم جالب به نظر نمی‌رسه. همسر، نرم، در شیف‌ت دوم اداری کار می‌کنه و اغلب در طول روز خانه است. من هم چند ساعتی در روز کار می‌کنم اما شوهرم راضی نیست. می‌دونید احساسم راجع به این اوضاع خیلی متفاوته.

□ منظورتون چیه؟

○ خب باید بگم که به عنوان دختر مادرم از اینکه گاهی چنین فکری می‌کنم احساس گناه می‌کنم. این خیلی بده که آدم آرزو کنه ای کاش مادرش برای همیشه از پیشش می‌رفت. می‌دونید منظورم چیه؟! اون مادر بی‌ظنری بوده و من از صمیم قلب دوستش دارم. اما اگر از من بپرسید به عنوان همسر و مادر خانواده چه احساسی دارم، اون وقت قضیه فرق می‌کنه. حس می‌کنم مادرم به نوعی مزاحم زندگی ماست و اداره زندگی رو برای من مثل جهنم می‌کنه. گاهی خودم رو جای شوهرم می‌گذارم و دقیقاً می‌فهمم که چه حالی داره. البته اون زیاد حرف نمی‌زنه، اما من می‌دونم که به مصاحبت من احتیاج داره البته خودم هم همین‌طور [مکث]. خب در این مورد چی می‌گید؟



مصاحبه، مصاحبه‌شونده می‌گوید پاسخ‌های دیگر افرادی که مصاحبه می‌شوند می‌توانست به او کمک کند تا روشی را که خود برای طبقه‌بندی و پاسخ‌گویی به سؤالات پیش گرفته بود بهتر بشناسد و این یعنی پاسخ‌های مشروح دیگران حتی می‌تواند تعبیر وی را در مورد تجربه شخصی‌اش گسترش دهد.

□ من خودم رو جای همسر و فرزندانم می‌گذارم و به این مسئله از دید اونا نگاه می‌کنم. می‌دونید یک جور نگاه مردانه به قضیه، از خودم می‌پرسم زندگی با زنی که نیمه‌وقت کار می‌کنه و همچنین مادرزن چه حسی داره. باور کنید می‌دونم که اون از این وضعیت ذلّه شده، مردها این جور می‌اند. آنچه را که می‌خوان، خوب می‌خوان و خوب بقیه وقت‌ها هم ساکتن درست مثل اینکه هیچ اتفاقی نیفتاده. من عادت کردم که تا مرز جنون به همه

در ادامه، مصاحبه‌کننده می‌گوید که فرد مصاحبه‌شونده می‌تواند روشی را برای پاسخ‌گویی انتخاب کند که فکر می‌کند بهترین راه بیان افکار و احساساتش است. اما درست زمانی که تبادل اطلاعات آغاز می‌شود. اصطلاح «بهترین» به‌خوبی بیانگر شرح پیچیده افکار و احساسات فرد مصاحبه‌شونده نیست. در متن ذیل به این امر توجه کنید که فرد پاسخ‌دهنده چگونه در تلاش است تا عقاید خود را طبق هویت‌های مجزا و گروه‌بندی‌شده به زبان بیاورد. او که می‌داند همسر خانواده چه احساسی دارد یا باید داشته باشد چرا که از طرز برخورد همسر و فرزندانش دریافته است که «مردها مثل زن‌ها فکر نمی‌کنند». این مطلب حاکی از این است که افکار و احساسات خود او نیز منبعث از نوعی دانش و اطلاعات جنسیتی است. به این مسئله توجه کنید که در چند جای مصاحبه، مصاحبه‌کننده نیز با مصاحبه‌شونده همکاری می‌کند تا او هویت خود را به عنوان فرد پاسخ‌دهنده توصیف کند. در پایان

نقش مصاحبه‌کننده پویا این است که پاسخ‌دهنده را وادار به پاسخ‌گویی نماید و سرانجام مصاحبه پاسخی روایی داشته باشد. در این نوع مصاحبه، مصاحبه‌کننده‌ها عمداً از طریق اشاره و حتی القای مواضع، منابع، جهات خاص و روال داستان به مصاحبه‌شونده، موجب برانگیختن پاسخ‌های مورد نظر می‌شوند



چیز فکر کنم و همه چیز را از ذهن بگذروم و قضیه‌ای رو تموم نکرده به مسئله دیگری بیردازم. می‌دونید چه جوری یک کاری رو انجام می‌دید در حالی که فکر می‌کنید کار قبلی رو خوب انجام ندادید و می‌خواهید کاری رو که قبلاً تمام شده و یا حرفی را که قبلاً گفتید دوباره انجام بدید. یعنی کاری که اغلب خانم‌ها انجام می‌دن. به نظرم این اون چیزی است که به خودم می‌دونم. راستش نمی‌دونم فکر کردن در مورد این مسئله خیلی پیچیده است. [مکت] حالا ببینید که من واقعاً چه حسی دارم؟

○ خب داشتم فکر می‌کردم که شما گفتید که ساندویچ شده‌اید و حالا بگید که یک همسر چه احساسی داره؟  
□ بله، فکر می‌کنم تا قبل از اینکه بفهمم تُرم و پسرها چطور فکر می‌کنند، نمی‌تونستم با این اطمینان حرف بزنم. خیلی زود فهمیدم که مردها خیلی خوب مسائل رو طبقه‌بندی می‌کنن و خوب این همون کاری بود که من نمی‌تونستم چون، خوب، مردها مثل زن‌ها فکر نمی‌کنن من هم اصلاً نمی‌خواستم این کار رو بکنم، به عنوان یک زن دوست نداشتم مردانه به قضیه نگاه کنم. می‌دونید منظورم چیه؟ خب اونا می‌گن که زندگی کن و بذار بقیه هم زندگی کنند.

○ حالا در مقام فرزند چه احساسی دارید؟  
□ درسته! خب اگر از من بپرسید از اینکه مادرم مدام تو دست و پامه چه احساسی دارم، باید بگم که گذشته نه چندان دوری رو به یاد می‌آرم که دختر کوچولویی بودم و مدام زیر دست و پای مادرم، و اون اصلاً از این مسئله شکایت نمی‌کرد با اینکه در بیرون از منزل در اداره مغازه هم کمک پدرم بود. خب می‌تونم به شما بگم که از اینکه سالمم و می‌تونم از اون مراقبت کنم خوشحالم و صادقانه می‌گم که همه این کارها رو اگر لازم باشه دوباره انجام می‌دم. نمی‌دونم شما با زن‌های دیگه هم راجع به این مسئله صحبت کردین یا نه؟ و یا اینکه اونها چه بوده؟  
○ خب آ... م.

□ نمی‌خواستم شما رو در تنگنا قرار بدم. فقط در این فکر بودم که اگر جواب‌های افراد دیگه رو می‌دونستم، اون وقت بهتر و طبقه‌بندی شده‌تر به سؤال‌های شما جواب می‌دادم.

نظرات این مصاحبه‌شونده درباره شخصیت مورد نظر و چگونگی سازماندهی و ارائه پاسخ‌ها، نشان‌دهنده این است که فرد مصاحبه‌شونده در تعامل با مصاحبه‌کننده منابع اطلاعاتی گوناگون را جزو بخش جدانشدنی پرسش و پاسخ قرار می‌دهد. مصاحبه پویا، مصاحبه‌کننده را قادر می‌سازد تا مصاحبه‌شونده را بر آن دارد

که جایگاه‌های متفاوتی در طی مصاحبه اختیار کند و در نتیجه از دیدگاه‌ها و منابع اطلاعاتی گوناگونی برای پاسخ‌گویی بهره گیرد. به جای جست‌وجو برای دستیابی به درست‌ترین پاسخ هدف این نوع مصاحبه، فعال‌سازی نظام‌مندانه راه‌های کاربردی در جهت کسب اطلاعات و یا همان دسترسی به پاسخ‌های ممکن است. یعنی پاسخ‌هایی که فرد مصاحبه‌شونده به شیوه‌هایی گاه متناقض و متفاوت می‌تواند عنوان کند.

مصاحبه‌گر پویا مشخصه‌هایی کلی برای پاسخ‌ها در نظر می‌گیرد و از راه تحریک و ترغیب مصاحبه‌شونده پاسخ‌های مربوط به تحقیق را کسب می‌کند. البته مصاحبه‌کننده برای مصاحبه‌شونده پاسخ‌ها را تعیین نمی‌کند اما به او راهکار درک موضوع و پیوند مطالب را با موضوع بحث نشان می‌دهد. یعنی چشم‌اندازها و معانی گوناگون مربوط را در اختیار مصاحبه‌شونده قرار می‌دهد تا به پاسخ‌های مناسب دست یابد (گابریل، ۱۹۹۳). ارتباط مطالب بحث با موضوع مصاحبه و پاسخ‌های معتناهایی که ضمن مصاحبه بیان می‌شود تفسیرپذیر می‌کند. زمانی که مصاحبه‌شونده پویا از منابع روایی متفاوتی برای پاسخ‌گویی استفاده می‌کند، وظیفه مصاحبه‌کننده این است که داستان مورد حکایت را به سوی هدف اصلی مصاحبه هدایت کند.

### اشارات ضمنی جهت تجزیه و تحلیل مصاحبه

در مقایسه با روش‌های مرسوم مصاحبه، به نظر رویکرد مصاحبه پویا مصاحبه‌کننده‌ها را بیشتر به انواع غیرقابل قبول و جانبدارانه‌ای از مصاحبه فرا می‌خواند. به هر حال مصاحبه حقیقتی بسیار فراتر از استخراج مطالب از مخزن اطلاعات فرد مصاحبه‌شونده است.

«ناخالصی در مطالب» همواره وجود دارد. چنین انتقادی از مصاحبه پویا زمانی رخ می‌دهد که فرد جنبه بسیار محدودی از تفسیر کاربردی و فرایند معنی‌سازی را مدنظر قرار دهد. تنها زمانی می‌توان اصطلاح «جانبداری» را به کاربرد که شخصیت مورد مصاحبه از پیش آماده و منبع محض اطلاعاتی باشد که فرایند مصاحبه موجب جهت‌گیری آن شود. اما چنانچه پاسخ‌های مصاحبه محصول تفسیر کاربردی تلقی شود، دیگر شخصیت مورد مصاحبه از پیش تعیین‌شده و منبع اطلاعات محض نیست. هر نوع موقعیت مصاحبه -خواه محدود یا اصولی- کاملاً وابسته به تعامل میان شرکت‌کننده‌هایش است، زیرا فرایند معنی‌سازی بالاجبار امری تعاملی است (گارفیمکل، ۱۹۶۷ و ساک اتال، ۱۹۷۴). پرداختن به مطالبی که به ناخالصی اطلاعات تعبیر می‌شود، در تبادل نظر اجتناب‌ناپذیر است. همه شرکت‌کننده‌ها در مصاحبه به ناچار در فرایند معنی‌سازی تحت تفسیر قرار می‌گیرند.

گفت‌وگویی که به صورت طبیعی و معمول رخ می‌دهد فی‌البداهه‌تر و طبیعی‌تر از گفت‌وگویی قالب‌بندی شده در مصاحبه

در این نوع تحلیل هم چستی و هم چگونگی اتفاقات مدنظر قرار می‌گیرد.

قالب روایی مصاحبه از دیدگاه اجتماعی و کلام آن تجزیه و تحلیل می‌شود تا از این طریق فرایند خلق واقعیت و معانی ذهنی تبادل یافته و در ضمن مصاحبه، آشکار شود. هدف، نشان دادن چگونگی تشکیل پاسخ‌های مصاحبه، از طریق تعامل بین مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده است، بدون اینکه کوچک ترین معنی خلق شده و یا شرایطی که روند معنی‌سازی را تحت تأثیر



قرار می‌دهد، نادیده گرفته شود. هدف از تحلیل مصاحبه تنها توضیح آنچه که در شرایط خاص بیان شده نیست، بلکه بیان این مطلب است که چگونه گفته شده در ضمن مصاحبه با تجربیات و زندگی‌های مورد تحقیق مرتبط است.

برداشت از اطلاعات حاصل از مصاحبه خود فعالیتی تحلیلی و پویاست. تحلیل‌گر پویا روند معنی‌سازی را مستند می‌نماید و نمی‌گذارد تا داده‌های مصاحبه، خود بیانگر مقصودشان باشند. یعنی با آوردن توضیحات و مثال‌های فراوان و ارجاع دادن به گزارش‌های انجام شده فعالیت‌های پیچیده‌ای را که فرد مصاحبه‌شونده ضمن پاسخ‌گویی انجام داده توضیح می‌دهد. هدف از این کار این است که نشان دهد معانی و پیوند میان آنها چگونه در محیطی که مصاحبه در آن صورت می‌گیرد ساخته می‌شوند و ارتباط متقابل آنها چیست. گزارش تحلیلی مصاحبه شامل خلاصه سخنان شرکت‌کننده‌های مصاحبه نیست، بلکه بیشتر در آن به واسازی حرف‌های افراد پرداخته شده است تا هم چستی و هم چگونگی مطالب گفته‌شده در این نمایش روایی که بازتاباننده کامل جامعه مورد مصاحبه است، ارائه شود.



به نظر می‌رسد و این گفت‌وگو تنها زمانی رخ می‌دهد که فردی مصاحبه‌کننده آن را برقرار نکرده باشد. مکالمه‌های حاصل لزوماً واقعی‌تر یا اصیل‌تر نیستند. آنها فقط در شرایط طبیعی رخ داده‌اند یا پیشرفت جامعه مصاحبه و محدودتر شدن امکان تجربه شخصی، مصاحبه روز به روز امری رایج‌تر و مناسبتی طبیعی‌تر برای تبادل افکار و بیان تجربیات به شمار می‌رود.

با این حال ممکن است در مورد برخی از مسائل بسیار مهم -چه در مکالمات روزمره و چه در جامعه مصاحبه- اصلاً گفت‌وگویی صورت نگیرد؛ برای مثال بحث تأثیر متقابل، خانواده و تجارت.

### **مصاحبه پویا، مصاحبه‌کننده را قادر می‌سازد تا مصاحبه‌شونده را بر آن دارد که جایگاه‌های متفاوتی در طی مصاحبه اختیار کند و در نتیجه از دیدگاه‌ها و منابع اطلاعاتی گوناگونی برای پاسخ‌گویی بهره گیرد**

با توجه به طبیعت غیرسنتی مصاحبه پویا چگونه می‌توان مفهوم اطلاعات حاصل از آن را درک کرد؟ تجزیه و تحلیل اطلاعات شامل تفسیر کاربردی، در جای خود امری هنرمندانه محسوب می‌شود و این بدان مفهوم نیست که چنین تحلیلی فاقد جدیتی است که در رویکرد سنتی وجود دارد. برعکس تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه پویا مستلزم حساسیتی نظام‌مندانه به موارد گفته شده و نیز روند مصاحبه است.

در رویکرد سنتی مصاحبه به عنوان توضیح دقیق تجربه‌ای خاص یا گزارش و بازگویی حقیقتی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این تجزیه و تحلیل مستلزم کدگذاری نظام‌مند، طبقه‌بندی و خلاصه‌کردن توضیحات و ارائه چارچوبی منظم و پیوسته است که نشان‌دهنده و بیانگر وجوه مختلف جامعه‌ای است که مصاحبه‌شونده آن را ترسیم می‌کند. فعالیت تفسیرگر پاسخ‌دهنده‌ها در خدمت آنچه که گزارش می‌کنند است، یعنی چستی مطالب مهم‌تر از چگونگی آنهاست.

در رویکرد مصاحبه پویا تجزیه و تحلیل اطلاعات به گونه‌ای انجام می‌شود که به هم‌پیوستگی و پویایی چستی‌ها و چگونگی تجربیات به خوبی مشهود است. پاسخ‌ها و نظرهای افراد پاسخ‌دهنده به منزله گزارشی از واقعیتی خاص و برگرفته از مخزن منفعل اطلاعات نیست، بلکه به این پاسخ‌ها به جهت اهمیتی که در ساختار جنبه‌ای از واقعیت در تعامل با مصاحبه‌کننده دارند، توجه می‌شود.